

## نقش رسانه در تبیین هویت دینی

محمد رضا انواری\*

### چکیده

بحران هویت که امروزه گریبانگیر انسان غربی شده، برآیند دیدگاه مادی‌گرایانه انسان به زندگی و بی‌توجهی به پدیده وحی و دین است. نسل جوان بیشتر از دیگران با بحران هویت رو به روست. با ارزیابی و تحلیل عوامل و عناصر آسیب‌زا در نسل جوان می‌توان به این نتیجه رسید که دور بودن فرد از تربیت صحیح دینی در سال‌های کودکی و نوجوانی، زمینه‌ساز دوری از هویت دینی آنان می‌شود. جوان برای کسب هویت، از عوامل گوناگونی همچون خانواده، نهادهای تربیتی و پرورشی، رسانه‌های گروهی و مطبوعات متأثر است. از سوی دیگر، از آنجا که تقویت هویت دینی، نقطه مقابل و راهکار اصلی برای مقابله با بحران هویت است، هر تلاش و کوششی که در این راستا صورت گیرد؛ در واقع، یک نوع مقابله و مبارزه برای از بین بردن بحران هویت در نسل جوان و امیدوار کردن این نسل به آینده و اعتماد و اتکا به گذشته خویش است. امروزه تأثیر رسانه‌ها بر افکار عمومی بر کسی پوشیده نیست و صاحبان شبکه‌ها و رسانه‌های جهانی با استفاده از این ابزار کارآمد به دنبال تخریب فرهنگ و هویت بومی و دینی کشورهای مورد نظر هستند. در این مقاله سعی می‌کنیم تا با تبیین شاخصه‌ها و راه‌های تقویت هویت دینی، راهکارهایی برای شکل‌گیری و تقویت هویت دینی در برنامه‌های رسانه تبیین شود.

واژه‌های کلیدی: هویت، هویت دینی، رسانه.

---

\* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تبلیغ و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)

مدتی است که تدوین الگوی ایرانی-اسلامی توسعه و پیشرفت، مورد توجه مسئولان کشور قرار گرفته است. یکی از مؤلفه‌های مهم در تدوین الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت، توجه به هویت دینی و شناخت شاخصه‌ها و بررسی راهکارهای شکل‌گیری، تقویت و بیان عوامل تضعیف‌کننده آن در جامعه است. هویت دینی، پدیده‌ای است که به تدریج و در پی عمل به آموزه‌های وحیانی به دست می‌آید؛ بنابراین، برای شکل‌گیری هویتی مطلوب در دوره‌های جوانی و بزرگسالی، مراحل تربیتی را باید از سال‌های اولیه زندگی آغاز کرد؛ در غیر این صورت، دستیابی به پیروزی در گام‌های بعدی بسیار مشکل خواهد بود. در سایه هویت دینی می‌توان به هویت‌های دیگر، مانند هویت شغلی، تحصیلی، اجتماعی، خانوادگی، ملی، تمدنی و غیره، جهت داد؛ زیرا دین، روش و برنامه زندگی است و می‌تواند با شایستگی کامل، همه هویت‌ها را در اطراف خود گرد آورد. انقلاب اسلامی با زنده کردن فرهنگ، تفکر و هویت دینی، شخصیت مردم، به ویژه نسل جدید و حضور فعال آنان را در صحنه‌های مختلف اجتماعی، تثبیت و تضمین نمود. روشن است که این دستاورد انقلاب، هرگز دلخواه دشمنان و بیگانگان نیست و آنان در صدد ضربه زدن به آن هستند. امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهانخواران تا کی و تا کجا، ما را تحمل می‌کنند؟ و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟ به یقین، آنان مرزی جز عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی مان نمی‌شناسند... ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها، آمریکا و شوروی در تعقیب‌مان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه‌دار نمایند» (امام خمینی، ۱۳۶۱، ص ۲۳۷).

هر چند گسترش فرهنگ دینی انقلاب، هیچ‌گونه منافاتی با تمدن غرب نداشت؛ اما تضاد ذاتی بین فرهنگ مادی غرب و فرهنگ اسلامی، سیاست‌گذاران غرب را بر آن داشت تا به مقابله با فرهنگ اسلامی برخیزند. آخرین روش غرب در این رویارویی، استحاله فرهنگی جوانان و بی‌هویت کردن آنان است. آگاهی دادن به جوانان و نوجوانان و ترغیب آنان به شناخت هویت دینی خویش، بهترین راه در امان ماندن از ضربه‌های سخت و مهلک این تهاجم است. نوجوانان و جوانان با روی آوردن به معنویت و تثبیت هویت دینی در روح و روان خود، نه تنها از آسیب‌های فرهنگی مصون خواهند ماند، بلکه جامعه بزرگ اسلامی را نیز در فرهنگ‌سازی دینی، یاری خواهند کرد (نگارش، ۱۳۸۰، ص ۲۵).

یکی از مهم‌ترین هدف‌های فرهنگی قدرت‌های استکباری، دور کردن نسل نوجوان و جوان جوامع، به ویژه جوامع اسلامی از هویت دینی است. فرهنگ تهاجمی غرب با استفاده از دو ویژگی و نقطه ضعف جوان (کمبود تجربه و غلبه احساس‌ها بر تعقل) و با استفاده از ویژگی‌ها و شگردهای تبلیغی و روان‌شناسانه، سعی در فروپاشی نظام اعتقادی و فکری نسل جوان دارد تا از راه تهی کردن آنها از درون، زمینه جذبشان را به مبانی فرهنگ خود فراهم آورد و هویت‌های ساختگی خود را به جای آن قرار دهد. امروزه مهم‌ترین ابزار مورد استفاده برای عملی کردن این نقشه، استفاده گسترده از انواع

رسانه‌هاست. همچنان که رسانه‌های بیگانه و به خصوص شبکه‌ها و برنامه‌های متنوع ماهواره، سعی در تخریب هویت دینی نسل حاضر دارند؛ در مقابل، رسانه‌های بومی و ملی ما نیز باید با تدوین و ساختن برنامه‌های متنوع برای شناساندن و تثبیت هویت دینی به مردم، به ویژه جوانان و نوجوانان کوشش کنند. اگر نسل نوجوان و جوان، به درک درستی از هویت دینی خود برسند، قدرت تحلیل و تفسیر رویدادهای فرهنگی و در نتیجه، توان مقابله با تهاجم‌های فرهنگی را پیدا خواهند کرد و به افرادی توانمند و نفوذناپذیر تبدیل می‌شوند. از همین جا، ضرورت تلاش برای شناساندن هویت دینی به نوجوانان و جوانان آشکار می‌شود. در این میان، متولیان تربیتی، یعنی پدر و مادر، مربیان، رسانه‌ها و غیره، وظیفه مهمی دارند.

### هویت دینی

از نیازهای فطری آدمی، گرایش به عشق و پرستش است؛ به این معنا که فرد، مستقل از هر گونه یادگیری، در درونش تمایل به عبادت و بندگی خدا را احساس می‌کند. تجلی چنین احساس و تمایلی، در اعمال و رفتار دینی، آشکار می‌شود. هویت دینی، از یک بعد، شامل پای‌بندی افراد به جوهره دین و ارزش‌های دینی و از سوی دیگر، بیانگر دل‌بستگی جمعی و عمومی افراد یک جامعه به شعائر، مناسک و نهادهای دینی است. همچنین هویت دینی، بعد عملی نیز دارد که عبارت است از: مشارکت و تمایل عملی انسان‌ها به ظواهر، آیین‌ها و مراسم مذهبی و دینی. در جامعه ایران، عناصر مختلفی در شکل‌گیری هویت دینی مردم تأثیر دارند که از جمله می‌توان به قرآن، سیره انبیاء و ائمه اطهار، ادعیه و مناجات‌های مختلف، اماکن مقدس مذهبی (مانند زیارتگاه‌ها، مساجد و امامزاده‌ها) مراسم و مناسک مذهبی (مانند نماز، روزه، حج، خمس و زکات و غیره)، آیین‌های محرم و رمضان و مانند اینها اشاره کرد.

انسانی که ریشه رفتارش، در وحی است، هویت دینی دارد؛ به عبارت دیگر، هویت دینی پس از تحکیم ارتباط آدمی با خداوند متعال و پذیرفتن حاکمیت الهی در وجود انسان و جامعه، پدید می‌آید. پس از تثبیت هویت دینی، رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس آرمان‌ها و هدف‌های دین شکل می‌گیرد (همان، ص ۲۳).

انسانی که از دیدگاه دین به عالم هستی می‌نگرد، هرگز از باطن امور که نسبت به ظاهر نقشی تعیین‌کننده دارد، غافل نمی‌شود و همواره پندار، گفتار و رفتار خویش را با جهان‌بینی الهی سازگار می‌کند. در پرتوی جهان‌بینی الهی است که انسان دارای هویتی روشن، امیدبخش و هدفمند می‌شود؛ اما در جهان‌بینی غیر دینی که فرد و جامعه با «هویت دینی» بیگانه‌اند، انسان به دنبال تأمین خواسته‌هایی است که تنها به یاری عقل ناقص و تمایل‌های شخصی خود و بدون توجه به عالم غیب و رهنمودهای پیامبران، به آنها دست یافته است. در صورتی که سه حوزه عقیده، گفتار، رفتار و عملکرد دینی در انسان به صورت منسجم و هماهنگ عمل کنند، احساس هویت دینی محقق خواهد شد و نتیجه هر گونه ناسازگاری بین این سه، احساسی است که می‌توان آن را «احساس بحران هویت دینی» دانست. در واقع، هر گونه افراط و تفریط در این سه امر،

سبب انحراف از فطرت دینی شده و باعث عدم تعادل در احساس هویت و به تعبیر دیگر، موجب احساس بحران در هویت دینی خواهد شد.

### شاخصه‌های هویت دینی

در این مقاله، منظور از دین و مذهب، دین اسلام است. برای تعیین شاخصه‌های هویت دینی، ابتدا آن را به دو مؤلفه کلی تقسیم می‌کنیم: ۱. پای‌بندی نظری و عاطفی به مذهب؛ ۲. پای‌بندی عملی به مذهب. هر یک از این دو مؤلفه، شاخصه‌هایی دارد که در ادامه، آنها را بیان می‌کنیم.

### شاخصه‌های پای‌بندی نظری و عاطفی به مذهب

۱. با اهمیت تلقی کردن اسلام و ضرورت اطلاع و اعتقاد به اصول و مبانی آن، مانند اعتقاد به خدا، معاد، پیامبر خاتم و امامان معصوم، اعتقاد به قرآن، احکام و دستورهای دینی؛  
۲. احساس بیزاری و تنفر از خدشه‌دار شدن اسلام؛  
۳. علاقه‌مندی به اسلام و افتخار به آن؛  
۴. باور به جایگاه والای اسلام در میان مذاهب دیگر.

به نظر می‌رسد که هر آنچه یک فرد مذهبی در مورد اسلام لازم است که در «نظر» به آن پای‌بند باشد، در این چهار ملاک و شاخص جای می‌گیرد؛ زیرا باور به جایگاه والای اسلام نسبت به مذاهب دیگر، مسلمان را بر آن می‌دارد که مذهب خویش را با اهمیت تلقی کرده و اطلاع پیدا کردن از آن را ضرورتی حیاتی بدانند. از سوی دیگر، پس از شکل‌گیری باور به جایگاه والای اسلام، علاقه او به مذهبش بر انگیزنده می‌شود و او به تمام جوانب مذهبی خود علاقه‌مند می‌شود. روشن است که اگر علاقه، برخاسته از باور باشد، مسلمان در برابر هر گونه ایجاد خدشه به مذهب خود احساس رنج، ناراحتی و تنفر خواهد کرد (آخوندی، ۱۳۸۳، ص ۶۴).

اگر بخواهیم شاخصه‌های پای‌بندی نظری به اسلام را به صورت ریزتر بیان کنیم، این شاخصه‌ها را می‌توان نام برد: مهم دانستن دینداری برای فرد، مهم دانستن دینداری برای جامعه، مهم دانستن آگاهی از تاریخ اسلام، احساس رنج از مشاهده بی‌توجهی به اسلام، احساس بیزاری از روابط نامشروع، احساس بیزاری از مخدوش‌کنندگان اسلام، خوشحالی از آثار مثبت دین اسلام در جامعه، لذت بردن از مشارکت در برنامه‌های تقویت اسلام، خوشحالی از گسترش اسلام در تمام جهان، همدردی در برابر مشکلات و مصایب مسلمانان، افتخار به مسلمان بودن، افتخار به تاریخ اسلام، علاقه به روابط با افراد و گروه‌های مذهبی، علاقه به حفظ، تداوم و گسترش اسلام، علاقه به مسلمان باقی ماندن، علاقه به علماء و مبلغان دینی، علاقه به مطالعه کتب اسلامی، علاقه به شرکت در برنامه‌های تقویت اسلام، علاقه به فراگیری اسلام، علاقه به انتخاب نام‌های

اسلامی برای فرزندان خود، باور به کفایت اسلام برای سعادت تمام بشر، باور به کارکرد داشتن دین در زندگی فردی و جمعی، باور به برتری دین اسلام بر سایر ادیان، باور به توسل به ائمه اطهار (همان، ص ۶۵).

### شاخصه‌های پای‌بندی عملی به مذهب

برای سنجیدن پای‌بندی به اسلام ملاک‌های زیر را می‌توان برشمرد:

۱. عضویت و مشارکت در گروه‌ها و برنامه‌های مذهبی؛

۲. پای‌بندی به باورها و رعایت مقررات و احکام مذهبی در عمل؛

۳. تلاش عملی برای فراگیری مذهب و آشنایی با عالمان دین.

دلیل ما برای در نظر گرفتن سه ملاک بالا، این است که یک فرد مذهبی پس از اینکه هویت دینی در آگاهی او شکل گرفت؛ در حقیقت، به باورها و ارزش‌های درونی شده، پای‌بند است و در نتیجه، مقررات و احکام مذهبی را رعایت خواهد کرد. چنین فردی با اشتیاق فراوان به دنبال فراگیری معارف مذهبی از راه آشنایی با علمای دینی است؛ در نتیجه، باید به طور مستمر با گروه‌ها و افراد مذهبی تعامل داشته باشد و در مجالس و محافل آنها شرکت کند (همان، ص ۶۶).

اگر بخواهیم شاخصه‌های پای‌بندی عملی به اسلام را به صورت ریزتر بیان کنیم، می‌توان به این امور و مؤلفه‌ها اشاره کرد: تعامل مستمر با گروه‌های پای‌بند به اسلام، عضویت در گروه‌ها و مجامع طرفدار اسلام، مشارکت در برنامه‌های ارتقا و تحکیم عقاید اسلامی، مشارکت در دفع شر مهاجمان به اسلام، پای‌بندی به باورهای اصیل اسلامی، پای‌بندی به باورها و ارزش‌های اخلاقی و اسلامی، مانند توکل، تواضع، بی‌رغبتی به دنیا، همت بلند، مردم‌داری، اخلاص در کارها، اهتمام به دعا و ادای فرایض، سازش‌ناپذیری با دشمنان، احتیاط در مصرف بیت‌المال و ساده‌زیستی، پای‌بندی به رعایت احکام اسلامی، تلاش عملی برای فراگیری اصول اسلام، تلاش عملی برای کمک به حفظ و تداوم اسلام، تلاش عملی برای آشنایی با علمای اسلامی، مطالعه کتب علمای اسلامی (همان، ص ۸۳).

### راه‌های تقویت هویت دینی

پس از تعریف هویت دینی و بیان شاخصه‌های آن، بررسی راه‌هایی که باعث تقویت آن می‌شود، ضرورت می‌یابد؛ چرا که با آگاهی از شاخصه‌های هویت دینی، این پرسش در اذهان شکل می‌گیرد که راه‌های تقویت شاخصه‌های هویت دینی چیست؟ با شناخت راه‌های تقویتی می‌توان گام‌های اساسی برای تثبیت هر چه بیشتر هویت دینی برداشت. در اینجا به مهم‌ترین راه‌های تقویت هویت دینی اشاره می‌کنیم.

#### ۱. شناخت و آگاهی

شناخت و آگاهی، تأثیر شگرفی در تقویت هویت دینی دارد. آگاهی یافتن بر اینکه چه چیزهایی از نظر دین ارزشمند است و باعث سعادت انسان می‌شود، با توجه به ملاک‌های محکم و شایسته فهم همگانی، به ویژه نسل جوان، می‌تواند

راهگشای خوبی برای تقویت هویت دینی باشد. باید پذیرفت که بر خلاف سنین کودکی که تقلید و همانندسازی نقش بسزایی در پذیرش و یادگیری کودک دارد، جوان همواره اهل تعقل و اندیشه است. به بیان دیگر، جوان، مقلد محض نیست؛ بلکه خود می‌اندیشد، بررسی می‌کند و تا نداند، آرام نمی‌گیرد. امروز، هدایت نسل جوان، از لحاظ روش و کیفیت عمل، با گذشته بسیار متفاوت است. جوان امروز، شرایط و ویژگی‌هایی دارد که نسل کهن، فاقد آن بود. باید این شرایط و ویژگی‌ها را شناخت و متناسب با آنها برنامه‌ریزی کرد. برای مثال، جوان امروز در دنیایی باز، قرار دارد که بر خلاف گذشته، آگاهی یافتن از هر مسئله‌ای برای او به راحتی امکان‌پذیر است. باید با روش صحیح و درک احساس‌ها و شرایط او، نیازهای روحی‌اش را برآورد. در این دوران است که جوان در جست و جوی یافتن خود است. اگر برای یافتن خود واقعی و اصیل هدایت شود، می‌تواند خدا را بیابد و اگر هدایت صحیحی صورت نگیرد، به خود فراموشی دچار خواهد شد که نتیجه آن، فراموشی خداوند خواهد بود (نگارش، ۱۳۸۰، ص ۸۶).

وقتی جوان امروز دانست که فقط از ویتترین مغازه‌ای که به نام غرب در دنیا مطرح شده، آگاهی دارد و حاکمان غربی برای مسخ افکار جوانان، آن را آرایش کرده‌اند و همه غرب‌زدگان نیز تحت تأثیر ظواهر آن، قرار گرفته و از آنچه داخل آن است، غافل هستند و از سوی دیگر، آگاهی یافت که فرهنگ اسلامی، سرآمد همه فرهنگ‌های دنیاست و به اعتراف محققان تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی در ردیف بزرگ‌ترین فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری است، با چشم بازتر و تصمیم درست‌تری قدم بر می‌دارد (مطهری، ۱۳۸۰/الف، ص ۱۱).

آن‌گاه که جوان بداند فرهنگ جهانی غرب، به دنبال ایجاد یک جامعه جهانی و مصرفی و خواهان نسل جدیدی از مردان و زنان جوان است که صرفاً مصرف‌کننده باشند و مصرانه از آنها می‌خواهد هر هویتی - جز هویت مصرف‌زدگی - را از خود دور کنند تا کاملاً به آنها وابسته باشند، برای مقابله با آن، فرهنگ خود را به معنای واقعی می‌شناسد و با بنا ساختن سد فرهنگ اسلامی و شناساندن ارزش‌های والای آن، راه را بر نفوذ بیگانگان می‌بندد و دچار خود باختگی نمی‌شود (نگارش، ۱۳۸۰، ص ۸۷).

امام خمینی (ره) می‌فرمود: «باید به خودمان اثبات کنیم که ما هم آدمیم و ما هم در دنیا هستیم و شرق هم یک جایی است. همه‌اش غرب نیست. شرق هم یک جایی است که خزایش بیشتر از همه جا بوده و متفکرینش بیشتر از همه جا بوده تا آن وقتی که ما را اسیر کردند، به طوری که ما خودمان را هیچ می‌دانیم» (حاضری، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

روشن است که تلاش دشمنان در نبود چنین آگاهی است؛ چرا که غفلت، زمینه‌ساز نفوذ دشمن خواهد بود. بازگشت انسان به هویت خود، ارزش‌ها، نظام‌های اخلاقی و تعالیم مذهبی، از امید بخش‌ترین و مؤثرترین عناصر تحول در گستره حیات فرهنگی، اخلاقی و سیاسی خواهد بود. جوهره انسان، ریشه در گرایش به مبدأ اعلی دارد و زمانی این سرمایه جاودانی و گرانبها به شکوفایی می‌رسد که آدمی جایگاه واقعی و هدف آفرینش خود را بشناسد. دین و مذهب توجه انسان را به خود

واقعی و جایگاه حقیقی اش جلب می‌کند تا در پس این شناخت و آگاهی به خدا نزدیک بشود. اگر انسان هویت دینی خود را بشناسد، در می‌یابد که فراتر از همه حیوانات است و نفخه‌ای از روح الهی در او وجود دارد که «من» واقعی اش را می‌سازد و از من حیوانی جدایش می‌کند؛ اما اگر از جایگاه واقعی خود غفلت ورزد و پیرو هواهای نفسانی اش شود، از همه ارزش‌ها و معنویت‌ها فاصله می‌گیرد (نگارش، ۱۳۸۰، ص ۸۹).

شهید مطهری می‌نویسد: «قوی‌ترین حربه دفاعی این انقلاب و مؤثرترین سلاح پیشرفت آن، «ایمان ملت به نیروی خویش و بازگشت به ارزش‌های اصیل اسلام است. غرب که منظور همه ابرقدرت‌هاست، از یک چیز وحشت دارد و آن بیداری خلق مسلمان است. اگر شرق، بیدار شود و خود اسلامی را کشف کند؛ در آن صورت، حتی بمب اتمی هم از پس این نیروی عظیم، این توده به پا خاسته بر نخواهد آمد. راه بیداری، آشنایی با تاریخ و ایدئولوژی خودمان است» (مطهری، ۱۳۸۰/ب، ص ۱۲۲).

بنابراین، باید خود واقعی را شناخت و آن را درک کرد و این امر، در پرتوی آگاهی از هویت دینی، دست یافتنی است.

## ۲. تبیین جامعیت دینی

منظور ما از دین جامع، دینی است که ریشه الهی داشته باشد، با فطرت و ضمیر انسان همگون باشد، با محتوای غنی خود، همه ابعاد مختلف زندگی انسان را در نظر بگیرد و طرح‌های ارائه شده‌اش، قابلیت پیاده کردن و عملی شدن در هر زمان و مکانی را داشته باشد. بی‌تردید در نگرش ما به اسلام، این ویژگی‌ها وجود دارد؛ چرا که دین اسلام، تنها به تهذیب و پاکیزگی روح فردی مردم و پیوند افراد با خدا نیندیشیده و صرفاً به سعادت اخروی آنان بسنده نکرده است. از نظر اسلام، مسائل ضروری حیات، تمایل‌های مادی و غرایز نفسانی، در کنار مسائل معنوی جای دارد. وجه جامع بودن دین اسلام نیز به همین نکته باز می‌گردد که همه دستورها و قوانین اسلامی، موافق طبع هر انسان سلیمی واقع می‌شود (نگارش، ۱۳۸۰، ص ۹۰).

بنابراین، وقتی جوان به این باور رسید که اسلام دینی است که به تمامی جنبه‌های انسان توجه کرده و برای تأمین همه نیازهای او، برنامه و راهکار ارائه می‌دهد، نه تنها به هویت دینی خود افتخار می‌کند، بلکه به دنبال تبلیغ و گسترش آن نیز برمی‌آید و دیگر بحران هویت برای او معنا ندارد. وقتی این امر، به دست می‌آید که فرد از دوران کودکی تا بزرگسالی به تناسب سنی که در آن قرار دارد و به تدریج، با ابعاد مختلف دین آشنا شود تا جامعیت دین اسلام برایش روشن شود و در این فرایند آشنایی است که هویت دینی در او شکل گرفته و تقویت می‌شود.

## ۳. تبیین ارزش‌های اسلامی

«ارزش‌ها»، باورها و اعتقادهایی است که عنصر اساسی فرهنگ ما را تشکیل می‌دهد و جایگاه والایی در فرهنگ اسلامی دارد. یکی از راه‌های تقویت هویت دینی، به ویژه برای نسل جوان، تبیین ارزش‌ها است. روشن است که این کار باید

در قالب حرکتی اصولی، سنجیده و متناسب با ضرورت‌های دوران جوانی باشد. دنیای جوان به اعتقاد همه روان‌شناسان، دنیایی سرشار از عاطفه و احساس است. سن جوانی، سن آرمان‌طلبی است؛ بنابراین، اگر در ارائه ارزش‌ها، سنجیده گام برداریم، می‌توان ارزش‌های زنده و جاویدی در آنان پدید آورد؛ ارزش‌هایی که آنان را در راه رسیدن به هدف‌های والای زندگی جهت دهد. چه بسیار از جوانان که به علت بدآموزی‌ها، معاشرت‌های ناصحیح و جهت‌دهی‌های غریزه، گرفتار ضد ارزش‌ها شده‌اند و سرمایه، فکر و عمل خود را در آن راه از دست داده‌اند. مهم‌ترین گام در تبیین ارزش‌ها برای جوانان، زدودن ضد ارزش‌ها از آینه اندیشه و فطرت آنان با استدلال و نیز معرفی اسوه‌های کامل در این باره و جایگزینی زیبایی‌های اخلاقی و ارزش‌هایی، مانند عشق به محبوب بی‌نهایت، خدمت به اجتماع خود و جامعه بشری، فداکاری و ایثار در راه حفظ و زنده نگه داشتن مکتب، دفاع از آزادی انسان، استقرار حق و عدل در جامعه و غیره، در دل و جان آنهاست (همان، ص ۹۳).

#### ۴. احیای تربیت دینی

امروزه یکی از واقعیت‌هایی که نمی‌توان آثار آن را در حوزه فعالیت‌های اجتماعی و فردی، به ویژه آسیب‌شناسی، نادیده گرفت، مسئله گم کردن هدف و فلسفه زندگی و اعتماد نداشتن به خالق هستی است. پذیرش حیات پوچ و بیهوده، زمینه‌ساز پیامدهای منفی خواهد بود که به صورت‌های گوناگون در عرصه‌های فردی و اجتماعی بروز می‌کند. سقوط در منجلا ب گناه و آلودگی‌های ناشی از تحریک غریزه جنسی، از این نمونه است. در این میان، تنها دین و تربیت دینی است که در زمینه حیات و چرایی و چگونگی زندگی، به انسان آگاهی‌های قانع‌کننده می‌دهد و عامل هدایت وی در مسیر زندگی می‌شود. باید پذیرفت که دوره جوانی، دوره تثبیت شخصیت است. جسم و جان جوان در این دوره با شیوه‌های صحیح یا غلط برای یک زندگی سازنده یا ویرانگر، آماده می‌شود. اگر جوان دریابد که دین نشان‌دهنده راه زندگی، سبب سعادت و عامل جلوگیری در برابر فساد، انحراف و ضد ارزش‌هاست، آن‌گاه عاشقانه پذیرای دین و تعالیم دینی می‌شود (همان، ص ۹۷).

از عوامل مؤثر در تربیت دینی جوان باید به جایگاه مهم نهادهایی، مانند خانواده، مدارس، مساجد، رسانه‌های ارتباط جمعی، سمعی و بصری و غیره اشاره کرد. توجه جوان به مذهب به دلیل گرایش‌های نفسانی، ممکن است که کم‌رنگ شود و به عبارت دیگر، در گرایش به دین از خود تمایل نشان ندهد؛ ولی باید دانست که فطرت آنها فقط تخدیر شده است و باید در صدد احیای آن زمینه پاک و الهی برآمد. باید کوشید تا آلودگی‌ها را از ذهن او زدود و اخلاق دینی را جایگزین آن نمود.

آنچه امروز به صورت‌های گوناگون از بی‌اعتنایی به سنت‌ها، آداب و ارزش‌های خود، بی‌هویتی، گرایش به ابتدال و غیره مشاهده می‌شود؛ در واقع، بر اساس یک سلسله افکار و اندیشه‌های پوچ بیگانه و مادی غرب و با استفاده از شرایط سنی و روحی نسل جوان عینیت یافته و اصلاح این نمودهای عینی و ذهنی با برطرف کردن غبارهای نشست بر روی فطرت



حق‌گرا و کمال‌طلب و رسانیدن آن به یک باور درونی به سادگی امکان‌پذیر است. احیای تربیت دینی، جوان را به خویشتن باز می‌گرداند، غبارهای خود فراموشی را از فطرتش می‌زداید و هویت دینی را در نهادش بارور می‌نماید (همان).

## ۵. ارائه الگوها

انسان موجودی است که به طور فطری به کمال میل دارد. یکی از راه‌های نیل به کمال، داشتن الگو و اسوه است؛ الگویی که خود موجودی ارزنده و دارای سجایای اخلاقی و انسانی بوده، در حقیقت، تبلور عینی کمال و انسانیت باشد. این الگوهای شایسته که مراحل کمال و منزلگاه‌های رشد را پیموده‌اند، در راه احیای ارزش‌ها و تقویت هویت دینی نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. نسل امروز نیازمند الگوهایی شایسته و راستین است. امروز باید دست به کار دگرگونی الگوها و آفرینش و نمایش قهرمانان صالح باشیم. اگر بخواهیم عوامل فساد را از چهره اجتماع خویش بزدایم و روح پاکی، صداقت و خیرخواهی را در قشرهای مختلف زنده نماییم، باید مد جامعه را عوض کنیم و سمبل‌های پاکی و نیکی را به نمایش بگذاریم (همان، ص ۹۸).

## ۶. زدودن خرافه‌ها از چهره دین

یکی از راه‌های تقویت هویت دینی، زدودن خرافه‌ها از چهره دین و دامن معرفت دینی است. در این میان، عالمان بیدار و دیندار که نگران دین هستند، بیشترین سهم را در زدودن خرافه‌ها و ترسیم حقیقت دین دارند. یکی از اندیشمندان بیدار و ژرف‌اندیش معاصر که در زدودن خرافه‌ها از چهره دین بسیار کوشید، شهید مطهری بود. ایشان در این باره می‌نویسد: «دین مقدس اسلام، یک دین ناشناخته است. حقایق این دین، به تدریج در نظر مردم واژگون شده و علت اساسی گریز گروهی از مردم، تعلیمات غلطی است که به نام دین داده می‌شود. این دین مقدس در حال حاضر، بیش از هر چیز دیگری از ناحیه برخی از کسانی که مدعی حمایت از آن هستند، ضربه و صدمه می‌بیند (مطهری، ۱۳۸۰/ج، ص ۸).

عالمان دینی همچون شهید مطهری، به خوبی دریافته بودند که منشأ واژگون شدن حقایق دینی کجا است: «هنگامی که یک نهضت اوج می‌گیرد؛ جاذبه پیدا می‌کند و مکتب‌های دیگر را تحت الشعاع قرار می‌دهد، پیروان مکتب‌های دیگر برای رخنه کردن در آن مکتب و پوسانیدن آن از درون، اندیشه‌های بیگانه را که با روح آن مکتب، مغایرت دارد، وارد آن مکتب می‌کنند و آن را از اثر و خاصیت می‌اندازند» (همو، ۱۳۸۰/د، ص ۹۰).

اگر عالمان دینی، مکتب الهی را به طور معقول علمی و استدلالی، ارائه عرضه کنند، مسئله تنزیه را در نظر بگیرند و باور کنند که معارف اسلامی، آن اندازه غنی است که می‌تواند به همه شبهه‌ها به خوبی پاسخ دهد، نه تنها مانع نفوذ اندیشه‌های بیگانه خواهند شد؛ بلکه زمینه هر گونه انحراف در دین گرفته می‌شود. فهمیدن مسئله «دین‌گریزی گروهی از جوانان»، به ویژه طیفی که زاده و پرورش یافته دوران انقلاب است، باید در دستور کار مسئولان تعلیم و تربیت، رسانه‌ها، خانواده‌ها و به ویژه عالمان بیدار قرار گیرد. باید بپذیریم که دین‌گریزی نسل جوان ما، دلایل گوناگونی دارد و تا هنگامی که علت‌های این معلول

برطرف نشود، معلول همچنان باقی خواهد ماند و مانند بیماری مسری، تمام افراد جامعه را در بر خواهد گرفت و آنان را افسرده و رنجور خواهد کرد. در این صورت، هویت دینی و آثار آن از جامعه، به ویژه نسل جوان پاک خواهد شد. یکی از عوامل مؤثری که چهره دین را نزد قشر جوان و تحصیل کرده، مشوش کرده، وجود خرافه‌هایی است که مانند غباری سیاه بر روی گوهر دین نشسته است. دانشمندان ژرف‌اندیش ما باید ساحت قدسی دین را از آلودگی‌ها و خرافه‌ها پاک کنند و جوانان را با چهره زیبا و حقیقی دین آشنا نمایند و باعث گرایش آنان به دین شوند (نگارش، ۱۳۸۰، ص ۱۰۲).

### عوامل تضعیف هویت دینی

#### الف. القای ناکارآمدی دین

یکی از مؤثرترین راه‌ها برای محو هویت دینی، القای این نکته است که دین توانایی حل مشکلات بشر را در این زمان، ندارد.

#### ۱. در عرصه سیاست

یکی از اقدام‌های دشمنان که قصد دارند به واسطه آن، هویت دینی را تضعیف کنند، القای شبهه‌هایی درباره توانا نبودن دین در عرصه سیاست است. این شبهه‌ها با این هدف، صورت می‌گیرد که دین نمی‌تواند در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی حضور داشته باشد و فقط با مسائل فردی انسان‌ها سر و کار دارد. در واقع، این گونه شبهه‌ها به ترویج افکار مکتب «سکولاریسم» می‌پردازد (همان، ص ۱۰۳).

اگر بخواهیم جدا انگاری دین و دنیا را به طور مختصر تعریف کنیم، می‌توانیم بگوییم فرآیندی است که در آن، وجدان دینی، فعالیت‌ها و نهادهای دینی اعتبار و اهمیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و این به آن معناست که دین در عملکرد نظام اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود و کارکردهای اساسی در عملکرد جامعه با خارج شدن از زیر نفوذ و نظارت عواملی عقلانی می‌شود که اختصاصاً به امر ماورای طبیعی توجه دارند (نصری، ۱۳۷۸، ص ۳۵۵).

#### ۲. نفی جاودانگی احکام اسلامی

یکی از شبهه‌های طرح شده برای تضعیف هویت دینی، شبهه نفی جاودانگی احکام اسلامی است. می‌گویند آنچه در سنت و کتاب، درباره روابط خانوادگی و اجتماعی، مانند حکومت، قضاوت، داد و ستد و غیره مورد تأکید قرار گرفته، به منظور ارائه قوانین جاودانه نبوده است. به عبارت دیگر، مگر ممکن است که چیزی جاودانه باشد و حال آنکه، اساسی‌ترین اصل جهان، اصل تغییر و تحول است؟ آنها معتقدند که تنها یک چیز جاودانی است و آن، این است که هیچ چیز جاودانی نیست.

در جواب این شبهه باید گفت آن چیزی که همواره در برابر تغییر و تحول قرار گرفته، «ماده» و ترکیب‌های مادی است؛ ولی قوانین و نظام‌ها، شامل این قانون نیست و به تعبیر شهید مطهری، پدیده‌ها متغیرند؛ نه قوانین. اسلام قانون است، نه پدیده (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶).

### ۳. محدودیت قلمروی دین

آیا برای پاسخ به هر سؤالی باید به مذهب، رجوع کرد و بشر برای همه خواسته‌هایش باید از دین کمک بگیرد یا اینکه در قلمروی محدودی از حیات و پرسش‌های وی دخالت می‌کند و جوابگوی بسیاری از سؤال‌ها نیست؟ اشکال عمده این گروه‌ها و دیدگاه‌ها که قلمروی دین را محدود می‌کنند، این است که اولاً از دیدگاه خاص و محدودی به دین می‌نگرند. ثانیاً تمامی ادیان در نظر اینها و بسیاری از اندیشمندان غربی یکسان محسوب می‌شود. بنابراین، تفکر آیین‌هایی چون بودا، تائو و شیئتو نیز دین تلقی می‌شود؛ حال آنکه، ادیان وحیانی و غیر وحیانی بسیار متفاوت هستند و در میان ادیان وحیانی، اسلام که از کتاب و شریعت تحریف نشده پدیده آمده، با ادیان دیگر قابل قیاس نیست. چگونه می‌توان میان ادیانی که احکام اجتماعی چندانی ندارند، با دینی که احکام اجتماعی بسیار دارد، مقایسه کرد؟ (نگارش، ۱۳۸۰، ص ۱۱۰).

### ۲. توسعه فساد

ترویج فساد و فحشا، از مهم‌ترین حربه‌ها در تضعیف هویت دینی است.

برخی مصادیق فساد عبارت است از:

۱. اشاعه اعتیاد؛

۲. رواج بدحجابی؛

۳. ترویج غنا و موسیقی مبتذل؛

۴. فساد مالی، به ویژه در بین مسئولان که تأثیر زیادی بر بی‌اعتمادی مردم نسبت به نظام برآمده از دین دارد؛

۵. ناهمگونی فرهنگی: در ناهمگونی فرهنگی، فرد از نظر اجتماعی و فرهنگی، خود را در شرایطی می‌یابد که در آن

ارزش‌ها، فرهنگ، آداب و معاشرت‌ش در برابر تزلزل و دگرگونی است که این تحول‌ها آثار منفی و بدی را بر هویت دینی افراد می‌گذارد. از عواملی که باعث ناهمگونی فرهنگی می‌شود، می‌توان به این موارد اشاره کرد: حاشیه نشینی، مهاجرت‌های بی‌رویه، رفت و آمد توریست‌ها؛

۶. نشر افکار ضاله و فرهنگ مبتذل: این امر توسط ابزارهایی انجام می‌شود که به وسیله آن، افکار منحرف که عمدتاً در

تعارض و تضاد با هویت دینی است، در بین عموم مردم پخش می‌شود و باعث تضعیف و در بعضی موارد، نابودی هویت

دینی در افراد، به ویژه نسل جوان می‌شود. این ابزارها عبارت است از: تلویزیون، سینما، ویدئو، ماهواره، کتاب، نشریه‌ها، مطبوعات و غیره؛

۷. نادیده گرفتن اصل امر به معروف و نهی از منکر؛

۸. رفاه‌طلبی و ثروت‌اندوزی، به ویژه در بین مسؤلان؛

۹. جا به جایی الگوها؛

۱۰. ترویج اسلام آمریکایی: برخی از اهداف ترویج اسلام آمریکایی عبارت است از: جدایی دین از سیاست، تحریف

اسلام با دست بردن در محتوا و بیان قرائت‌های جدید از دستورها و وقایع اسلامی، ترویج سیاست تساهل و تسامح و نبود خشونت (همان، ص ۱۱۱-۱۵۳).

### روش‌های اثرگذار بر شکل‌گیری هویت دینی

نمی‌توان از هر شیوه و روشی برای تربیت کودکان و نوجوانان استفاده کرد؛ بلکه باید بر اساس ظرفیت‌های موجود از روش‌های مناسبی بهره‌مند شد. یکی از نکته‌های مهم در شکل‌گیری هویت دینی، چگونگی انتقال مفاهیم دینی به کودکان و نوجوانان است که در اینجا به برخی روش‌های انتقال مفاهیم دینی اشاره می‌کنیم.

#### الف. روش قصه‌گویی

در قصه به سرگذشت فرد یا گروهی پرداخته می‌شود که شنیدن آن برای شنونده جذاب است. شنیدن قصه، یکی از کارهای مورد علاقه کودکان به شمار می‌رود. آنها با هیجان زیاد به داستان گوش می‌دهند. قصه، نه تنها پیام‌های مفیدی برای کودک دارد؛ بلکه اگر به گونه‌ای جذاب و مناسب گفته شود، کودکان و نوجوانان می‌کوشند تا خود را با شخصیت‌های آن قصه همانندسازی کنند. والدین و مربیان می‌توانند با بیان داستان‌های مذهبی و دینی، زمینه رشدشناختی کودک را فراهم کنند. یکی از راه‌های این سبک تربیتی، استفاده از کتاب‌های داستان است. والدین و مربیان باید پس از بیان قصه‌های آموزنده به نتیجه مورد نظر خود برسند. در این باره می‌توانند از کودک، نتیجه داستان را بپرسند. با تکرار این روش، کودک می‌کوشد تا از شخصیت‌های مثبت داستان، تقلید و خود را به آنها نزدیک کند (بخشنده، ۱۳۸۵، ص ۸۸).

#### ب. روش مشاهده مستقیم

دیدن بعضی رویدادها که به آموزه‌های دینی مربوط می‌شود، در یادگیری کودکان و نوجوان تأثیر زیادی دارد. آنها با دیدن آن رویدادها، بعضی از مسائل انتزاعی را بهتر درک می‌کنند و در موقعیت‌های مشابه، آن را به کار می‌گیرند. در قرآن مجید استفاده از این روش، یکی از راه‌های دستیابی به جهان‌بینی دینی، معرفی شده است. برای نمونه، خداوند در آیه‌ای همگان را به مشاهده آثار رحمت الهی، مانند پدید آمدن باران و رویش گیاه در زمین پس از خشکی آن، فرا می‌خواند.

خداوند در آیه‌های گوناگون، انسان را به سیر و سفر و دیدن آثار به جا مانده از گذشتگان تشویق می‌کند. مشاهده این مسائل به سبب ملموس بودن و خارج شدن از محدوده انتزاعی، نتیجه‌گیری را آسان‌تر می‌کند. والدین و مربیان می‌توانند با تشکیل گروه‌های کوچک و بزرگ برای اردوهای گوناگون به تبیین مسائل مرتبط با رشد هویت دینی بپردازند (همان، ص ۸۹).

### ج. روش تمرین و تکرار

تکرار کردن یک گفتار یا کردار سبب می‌شود که فرد بتواند در موقعیت‌های گوناگون به راحتی آن را به یاد بیاورد. اگر آموزه‌های دینی فقط یک بار به کودکان و نوجوانان آموزش داده شود، فرصت کافی برای درونی شدن وجود ندارد و برای دستیابی به هدف مورد نظر باید آن را تکرار کرد (همان).

### د. روش الگویی

با آموزش مسائل نظری و عملی دینی به کودکان و نوجوانان، هدف خاصی در ذهن آنها ترسیم می‌شود. آنان با فراگرفتن آموزه‌های دینی، به سوی هدف مورد نظر گام برمی‌دارند، ولی نمی‌توانند به تصور درستی از شخصیت آرمانی‌شان دست یابند. برای جبران این کاستی می‌توان الگوهای مناسب را در برابر دیدگان آنان ترسیم کرد. با کمک روش الگویی، آموزه‌های دینی و چگونگی عمل به آنها را به صورت ملموس‌تری فرا می‌گیرند. والدین و مربیان باید پیش از اینکه کودک الگوی نامناسبی را برگزیند، الگوهای مناسب را فراروی کودکان و نوجوانان قرار دهند. کودکان باید از الگوهایی تقلید کنند که از یک سو، برای آنها جذابیت کافی داشته باشد و از سوی دیگر، آنان را در مسیر رسیدن به پروردگار و هویت دینی یاری کند (همان، ص ۹۱).

### ه. روش پرسش و پاسخ

متولیان تربیتی می‌توانند با استفاده از روش پرسش و پاسخ، کودک و نوجوان را به تفکر درباره مسائل دینی تشویق کنند. با طرح پرسش دینی، ذهن آنها برای یافتن پاسخ مناسب به جمع‌آوری و پردازش اطلاعات و انتخاب بهترین آنها می‌پردازد و کم‌کم با هم‌اندیشی میان مربیان و والدین، با کمک آنها، مسائل جدیدی را می‌فهمد. این روش به سبب اینکه ذهن آنها را فعال می‌کند، باعث تعامل کودک و نوجوان می‌شود (همان، ص ۹۲).

در میان احادیث هم گفت‌وگوهایی به چشم می‌خورد که به صورت پرسش و پاسخ میان معصومان(ع) و دیگران صورت گرفته است. در مرحله جدید می‌توان به شبهه‌ها و پرسش‌هایی که در ذهن کودک و نوجوان شکل می‌گیرد، توجه نمود و پاسخ‌های مناسبی را با توجه به سطح شناختی‌اش ارائه کرد (همان).

**محورهای قابل توجه در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان رسانه**

## ۱. توجه دست اندرکاران رسانه به اهمیت هویت دینی کودکان و نوجوانان

بهترین دوره شکل‌گیری هویت دینی، دوران کودکی و نوجوانی است که باید مورد توجه متولیان تربیتی قرار بگیرد؛ اما بسیاری از متولیان تربیتی به این موضوع توجه کافی ندارند. آنها می‌پندارند کودکان باید در سن تکلیف، آموزش دینی را آغاز کنند و اگر پیش از آن، نسبت به آموزه‌های دینی سستی به خرج دهند، نباید سخت‌گیری کرد. مراکز فرهنگی و رسانه‌های ارتباط جمعی برای آگاه کردن یا افزودن سطح شناختی والدین باید از روش‌های گوناگونی استفاده کنند. در این میان، صدا و سیما، در مقام رسانه ملی، مهم‌ترین نقش را دارد؛ زیرا هر خانواده در خانه از تلویزیون یا رادیو بهره می‌برد؛ به گونه‌ای که خانواده‌ها وقت زیادی را صرف تماشا یا گوش دادن به آنها می‌کنند. دست اندرکاران رسانه باید در گام نخست از اهمیت موضوع آگاه شوند. در این راستا، می‌توان از منابع اسلامی، روان‌شناسی، نظرخواهی از کارشناسان و راه‌های دیگر برای فهمیدن اهمیت موضوع استفاده کرد. در منابع اسلامی و روان‌شناسی، بر دوران کودکی و نوجوانی و نقش آن در آینده افراد بسیار تأکید شده است. پیش از تهیه برنامه‌ها، باید مطالعه‌ها و نشست‌هایی برای آشنایی بیشتر در این باره صورت گیرد. برای نمونه، پیش از تهیه فیلم سینمایی، سریال، تهیه خبر و گزارش‌های مربوط، برنامه کودک و نوجوان، میزگرد و گفت‌وگو، مسابقه و غیره، باید برای عوامل تهیه برنامه مشخص شود که برای شکل‌گیری هویت دینی، دو دوره کودکی و نوجوانی اهمیت دارد. همچنین باید با دعوت از کارشناسان مربوط به پرسش‌هایی که در این باره برای اصحاب رسانه وجود دارد، پاسخ داده شود تا با تصویری درست به موضوع پردازند (بخشنده، ۱۳۸۵، ص ۱۲۷).

## ۲. مخاطب‌شناسی در برنامه‌ها

کسانی که برنامه‌های صدا و سیما را می‌بینند یا می‌شنوند، در یک سطح نیستند. کودک، نوجوان، جوان و بزرگسال، مخاطبان را تشکیل می‌دهند که هر کدام از آنها به دو گروه آگاه و ناآگاه در مسائل تربیت دینی تقسیم می‌شوند. در کنار آن، هر یک از این افراد در زندگی شخصی و خانوادگی با مسائل و مشکلات ویژه‌ای رو به رو هستند. تهیه‌کنندگان برنامه‌های آموزش مبانی دینی باید با شناخت نسبی از مخاطبان برنامه به آموزش پردازند. کارشناسان هم باید با درک نیازهای امروزی مخاطب به مسائل و ظرافت‌های کلیدی اشاره کنند. زمان پخش برنامه هم بسیار مهم است؛ یعنی از راه آمارگیری باید دانست که افراد گوناگون جامعه، چه هنگام به تماشای تلویزیون می‌پردازند. بعضی برنامه‌ها در فرصت‌های مناسبی پخش نمی‌شود. برای نمونه، زمانی برنامه آموزش دینی پخش می‌شود که بیشتر مخاطبان به تماشای فیلم یا برنامه‌های ورزشی و مانند آن در شبکه دیگر مشغول هستند. در بعضی برنامه‌ها نیز از کارشناسانی استفاده می‌شود که به سبب کهولت سن، جذابیت و محبوبیت کافی برای کودکان و نوجوانان ندارند. اگر به این عوامل آسیب‌زا در رسانه توجه نشود، با مرور زمان، از مخاطبان آن کم می‌شود. گاهی نیز به دلیل تنگ‌روی که از ساختار برنامه در مخاطب شکل می‌گیرد، از محتوای برنامه هم دور می‌شوند. به

همین دلیل، مخاطب‌شناسی و ارضای نیازهای روحی و فکری آنان بسیار مهم است که باید مورد توجه قرار گیرد (همان، ص ۱۲۸).

### ۳. توجه به پیامدهای مثبت آموزش‌های دینی

برای آموزش مبانی دینی به کودک و نوجوان و توجه دادن والدین و مربیان به اهمیت وظیفه تربیت دینی می‌توان به آثار و پیامدهای مثبتی اشاره کرد که در آینده ظاهر می‌شود. خداوند در بخش‌های زیادی از قرآن مجید، از این روش استفاده می‌کند و با تبیین پیامدهای پرهیزکاری که همان بهشت و زندگی خوب در دنیا و آخرت است، به تشویق انسان می‌پردازد. تهیه‌کنندگان می‌توانند با درک مخاطب و نیازهای ویژه آن، آثار رشد هویت دینی را بازگو کنند. برای نمونه، به رشد شخصیت سالم، اعتماد به نفس، کسب استقلال کافی وارد نشدن به کارهای خلاف، موقعیت اجتماعی مطلوب، محبوب شدن نزد خداوند و غیره اشاره شود. با بیان این پیامدها، کودک و نوجوان یا متولیان تربیتی به فراهم آوردن زمینه‌های آن تشویق می‌شوند (همان، ص ۱۲۹).

### ۴. توجه به عوامل و پیامدهای بی‌توجهی به آموزش‌های دینی

یکی از روش‌هایی که جامعه را از اهمیت موضوع آگاه می‌کند، تبیین عوامل، پیامدها و آسیب‌های ترک و سهل‌انگاری آموزش‌های دینی است. باید به عواملی، مانند ناآگاهی از مراحل رشد هویت دینی، رشد نادرست دینی متولیان تربیتی، غلبه خشم، غضب و غیره در هنگام تربیت کودک، فرهنگ نامناسب جامعه، انتخاب راه‌هایی که زودتر به نتیجه می‌رسد، بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی و مانند اینها توجه کرد. پیامدها و آسیب این مسائل، عبارت است از: روی آوردن به کارهای خلاف عرف، شرع و قانون، رشد نادرست شخصیت، سرگردانی، بی‌ارزشی شخصیت، نداشتن اعتماد به نفس، زندگی همراه با ترس و اضطراب، احساس گناه و غیره (همان).

رسانه می‌تواند با تهیه فیلم‌های سینمایی و سریال، مستندسازی، نماآهنگ، گزارش‌های خبری و تفسیرهای مرتبط، برنامه‌های کودک و نوجوان و غیره، مخاطبان را با عوامل و آسیب‌های بی‌توجهی به مراحل شکل‌گیری هویت دینی آگاه کند و تحولی در اندیشه و سبک زندگی‌شان ایجاد کند (همان).

### ۵. استفاده از کارشناسان مناسب

انتخاب کارشناس آگاه، در بهبود کیفیت برنامه نقش زیادی دارد؛ به دلیل اینکه کارشناس بیشتر وقت خودش را به موضوع ویژه‌ای اختصاص می‌دهد و با زاویه‌های روشن و پنهان آن آشنایی دارد. در این باره باید به چند مسئله توجه کرد. نخست، باید شیوه بیان و ارتباط کلامی کارشناس را در نظر گرفت. بعضی از آنها با ارتباط کلامی جذاب توان آن را دارند که مخاطب را به عمل وادارند؛ ولی بعضی دیگر، برای محیط‌های دانشگاهی و علمی مناسب هستند. برای انتخاب کارشناس باید

با آشنایی قبلی به زوایای کلامی و شخصیتی و اینکه چه جایگاهی در میان جامعه دارد، بهترین و مناسب‌ترین آنها را برگزید. مسئله مهم این است که باید با شناخت مخاطب و نیازهای ویژه، کارشناسی را برگزید که می‌تواند با مخاطب ارتباط برقرار کند. مثلاً برای بحث‌های کارشناسی ویژه کودکان و نوجوانان، نمی‌توان استنادی را دعوت کرد که فقط در محیط‌های علمی و دانشگاهی مشغول بوده‌اند و هیچ آشنایی عملی با ویژگی‌های این نسل ندارند. متأسفانه در بعضی برنامه‌ها، پس از دعوت کردن از چند کارشناس به ارزیابی آنها می‌پردازند؛ در حالی که می‌توانند بعضی از آنها را برگزینند. بهتر است که با شرکت در جلسه‌های آموزشی و پژوهشی و به دست آوردن اطلاعات کافی، تنها از بعضی از آنها دعوت کنند (همان، ص ۱۲۹).

## ۶. الگوسازی

یکی از وظایف رسانه دینی، الگوسازی در زمینه مسائل مذهبی است. با فراهم کردن الگوی مناسب، بهتر می‌توان به اهداف مورد نظر دست یافت؛ به این معنا که فرد با فراگیری آموزه‌ها و با توجه به الگو، به راحتی آن را انجام می‌دهد. پژوهش‌های فراوانی درباره الگوسازی و تقلید از الگو صورت گرفته است که در بعضی از آنها، آزمایشگر، پس از نشان دادن الگویی که در حال پرخاشگری و رفتارهای دیگر است، مشاهده می‌کند افرادی که به تماشای الگو می‌پردازند، از کارهای او تقلید می‌کنند و آن را می‌آموزند. حتی در حیوانات هم الگوسازی تأثیر زیادی در یادگیری دارد. رسانه باید با انتخاب الگوهای شایسته و مناسب، آموزش‌های دینی را به شیوه عملی نشان دهد. البته در این قسمت هم مخاطب‌شناسی اهمیت دارد (همان، ص ۱۳۰).

## ۷. توجه به جمله‌های کوتاه و زیرنویس

پیام‌رسانی با استفاده از جمله‌های کوتاه در میان برنامه‌های جذاب برای والدین و مربیان یا کودکان و نوجوانان ضروری است. برای اینکه مخاطب، اهمیت موضوع هویت دینی را بفهمند، باید با جمله‌های جذاب و پرمحتوا، جرقه‌ای در اندیشه آنها ایجاد کرد. بعضی از جمله‌هایی که در برنامه‌های گوناگون می‌توان از آنها استفاده کرد، عبارت است از (همان، ص ۱۳۱):

- برای شکل‌گیری هویت دینی فرزندان باید از کودکی به تربیت دینی آنان پرداخت.
- آیا از پیامدهای مثبت و منفی توجه به تربیت دینی و سهل‌انگاری آن آگاه هستید؟
- کودکان و نوجوانان را در عمل به آموزه‌های دینی مجبور نکنید؛ بلکه آنان را علاقه‌مند به اینها کنید.
- فرزندان را پس از انجام عبادت‌های دینی، تشویق کنید.
- برای آگاه شدن از وظایف خود در برابر کودک و نوجوان به مطالعه کتاب‌های مربوط بپردازید.
- برای تربیت دینی کودکان و نوجوانان با کارشناسان دینی مشاوره کنید.



## ۸. ضرورت هماهنگی در برنامه‌های سیما

یکی از مشکلات اساسی سیما که در سطح کلان دیده می‌شود، این است که از یک سو، با هزینه‌ها و امکانات مادی و معنوی بسیار، در برخی برنامه‌ها به آموزش دینی می‌پردازد و از سوی دیگر، با پخش بعضی برنامه‌ها در جهت مقابل آن فعالیت می‌کند. برای نمونه، در بعضی برنامه‌های کارشناسی، کودکان، نوجوانان، جوانان و بزرگسالان به دین‌محوری دعوت می‌شوند؛ ولی در بعضی از سریال‌ها یا فیلم‌های سینمایی، با گنجاندن صحنه‌ها و گفتارهای نادرست، زمینه رشد بعضی مسائل شهوانی و ضد دینی فراهم می‌شود. نمونه‌هایی از این مسائل عبارت است از: اشاعه فرهنگ غربی در بعضی فیلم‌های خارجی، برقراری رابطه بین پسر و دختر که به صورت هنجار در بعضی سریال‌های طنز و مانند آن دیده می‌شود، پوشش نامناسب و شهوت‌انگیز بعضی بازیگران و به ویژه بانوان. مسئولان و عوامل رسانه دینی باید با توجه به فرهنگ غنی اسلام، خلاقیت کافی، درک نیازهای هر زمان و حل تعارض‌های موجود، به کیفیت و کمیت این برنامه‌ها، بیشتر اهمیت دهند تا بتوانند در مسیر تربیت دینی نسل امروز، به ویژه کودکان و نوجوانان گام بردارند (همان).

### راهکارهای پرداختن به شکل‌گیری هویت دینی در برنامه‌های رسانه

#### ۱. ساختار دراماتیک (روال داستان، ماجراهای فرعی)

##### الف. هویت دینی و شخصیت‌های داستان

- در ساختار داستان می‌توان از شخصیت‌هایی استفاده کرد که تربیت صحیح دینی باعث شکل‌گیری هویت دینی مطلوب در آنها شده است.
- در انتخاب شخصیت‌های فیلم می‌توان کسانی را برگزید که محبوبیت و تعهد بیشتری دارند.
- در روند داستان، بر نقش عمل به آموزه‌های دینی در کودک و نوجوان و سپس دستیابی به دین‌مداری در زندگی و الگو شدن تأکید شود.
- بین سقوط و انحطاط شخصیت داستان و رعایت نکردن آموزه‌های دینی در کودکی و نوجوانی و پس از آن، روی آوردن به کارهایی که باعث تنفر جامعه می‌شود، ارتباط برقرار شود.
- داستان فیلم‌های منفی باید جایی پایان پذیرد که شخصیت اصلی آرزو کند با بازگشت به گذشته، اشتباه‌های خود را جبران کند و مسیر درستی را بییماید.

##### ب. هویت دینی و الگودهی درست

- افراد، خانواده‌ها و مکان‌های آموزشی و دینی که در روند شکل‌دهی هویت دینی موفق بودند، معرفی شوند.
- از زندگی افراد بزرگی که در این راه به کمال دست یافته‌اند، الگوبرداری شود.

- تربیت صحیح دینی در میان قشرهای گوناگون اجتماعی نشان داده شود، مانند: استادان دانشگاه، پزشکان، کارمندان، بازاریان، نیروهای مسلح، کشاورزان، جانبازان و غیره.

- از افراد، خانواده‌ها و محیط‌های آموزشی موفق در این زمینه تقدیر شود.

- آسیب‌های سهل‌انگاری در این زمینه نشان داده شود. برای نمونه، مشکلاتی که والدین و مربیان تحمل می‌کنند یا مشکلاتی که کودک و نوجوان در سال‌های آینده زندگی‌شان تجربه خواهند کرد که از سهل‌انگاری و بی‌خیالی متولیان تربیت پدید می‌آید.

### ج. ارزش و اهمیت شکل‌گیری هویت دینی

- در ساختار داستان و ماجراها، بی‌توجهی والدین و مربیان به رشد دینی کودک و نوجوان، بدشمرده شود.

- درباره غفلت در زمینه تربیت دینی، با ایجاد جرعه و تحول در افراد به این امر پرداخته شود.

- در داستان‌ها، دلایل اهمیت دوره‌های کودکی و نوجوانی برای رسیدن به هدف مورد نظر بیان شود.

- در هر سن و دوره‌ای به اهمیت آموزه‌های دینی اشاره شود. برای نمونه، شخصیت داستان تا هفت سالگی فرزندش،

برای او اسباب بازی‌های گوناگونی تهیه می‌کند و او را به فعالیت‌های این دوره مشغول می‌کند، ولی در کنار آن، مراقب است

تا از غذاهای حرام استفاده نکند و با فرزندان افرادی که به مسائل دینی بی‌تفاوت هستند، هم‌بازی نشود. گاهی نیز در کنار او

نماز و دعا می‌خواند. همچنین می‌کوشد آموزش را آغاز نکند. در پایان این دوره فقط بعضی ذکرها را به صورت تدریجی

آموزش می‌دهد. با فرا رسیدن هفت سال دوم زندگی، کودک آرام آرام آموزش دینی را همراه با لطافت خاصی آغاز می‌کند.

در کنار آن نیز با انتخاب دوست و هم‌نشینی شایسته، زمینه‌های خانوادگی و محیطی برای تربیت دینی را فراهم می‌کند.

- در ساختار داستان، شخصیت اصلی به دلیل پی بردن به اهمیت تربیت دینی فرزند یا دانش‌آموزش و برای آشنایی

بیشتر با ظرافت‌های آن، به دنبال کارشناسان، کلاس‌ها و کتاب‌های مرتبط می‌گردد.

- هنرمند فیلم، شکل‌دهی هویت دینی را وظیفه خود می‌داند و به شکل هماهنگ عمل می‌کند.

- اگر پدر و مادر یا مربیان، مرحله خاصی از رشد کودک و نوجوان و آموزه‌های مربوط را فراموش کرده باشند، دیگران

با یادآوری آن مسائل بر اهمیت آن تأکید کنند.

- در مسافرت، مهمانی، رفت و آمد در خیابان، سینما، کلاس درس، خوابگاه، محل کار و غیره، به آموزه‌های دینی عمل

شود.

### د. توجه به هویت دینی در کانون خانواده

- والدین نسبت به رشد دینی فرزندان و بهره‌گیری از روش‌های مستقیم و غیر مستقیم حساسیت داشته باشند (مانند:

کنایه، تعریض، تعجب، تأسف، اشاره، تشویق و تنبیه با شرایط ویژه‌اش).

- به مسائل تربیت دینی در زوج‌های جوان توجه شود.
- به تأثیر تعادل و سامان خانواده اشاره شود.
- به تأثیر منفی شیر و غذای حرام در آینده نوزاد توجه شود.
- پدر و مادر، فرزندان را به شرکت در مراسم‌های مذهبی تشویق کنند و با بهره‌گیری از مکانیسم پاداش، آنها را به تکرار آن عمل ترغیب کنند.
- فرزندان به عضویت در گروه‌هایی که در مسیر مذهب و مسائل عبادی فعالیت می‌کنند، تشویق شوند.
- از روش‌های جذاب کلامی و غیر کلامی برای آموزش‌های دینی استفاده شود.
- به جشن تکلیف و تبیین آن در خانواده‌ها توجه ویژه شود.
- با برگزاری مراسم کوچک در کانون خانواده، از فرزندانی که فعالیت دینی را انجام داده است، قدردانی شود تا به صورت خاطره‌ای زیبا تداعی گردد و باعث تکرار آن عمل در سال‌های آینده شود.
- در بعضی زاویه‌های داستان، مادر در حال آشپزی یا خیاطی، مسائل دینی را به دختر کوچک خود آموزش می‌دهد.
- پدر هم در حال فعالیت ورزشی، تعمیر وسیله‌ای برقی یا شستن ماشین و مانند اینها، به پسر کوچک خود آموزش دینی می‌دهد. البته بچه‌ها باید در هفت سال دوم زندگی باشند.
- والدین باید در حالت ناراحتی، اضطراب و نگرانی، از آموزش دینی پرهیز کنند و آن را به موقعیت‌های جذاب دیگر تغییر دهند.
- والدین باید در میان اعضای خانواده، کانونی صمیمی و عاطفی پدید آورند.
- والدین باید از تبعیض میان فرزندان پرهیزند.
- خود والدین باید خود به آموزه‌های دینی عمل کنند.
- ه. جلوگیری هویت دینی از افتادن به مسیرهای نادرست
- به تأثیر عمیق هویت دینی در زندگی افراد اشاره شود.
- با توجه به ظرافت‌های تربیتی، باید به این موضوع اشاره شود که آموزه‌های دینی دوره کودکی و نوجوانی، از دچار شدن به مسائل خطرناک، مانند اعتیاد، دزدی و غیره جلوگیری می‌کند.
- متحول شدن بزهکار پس از دیدار با کسی که با دین مانوس است.
- دوری گزیدن از فردی که هویت دینی مناسبی ندارد.
- ترسیم چهره زشت و نامطلوب از افرادی که با تربیت دینی پرورش نیافته باشند (بخشنده، ۱۳۸۵، ص ۱۱۳).

## ۲. دیالوگ‌ها و رفتارها در حال ایفای نقش

الف. توجه به لوازم هویت دینی در دیالوگ‌ها و رفتارها

- والدین مریدان با توجه به فراهم شدن محیط و حالت مناسب، مسائل دینی را به فرزندان آموزش می‌دهند.
- کودک به همراه والدین خود وضو می‌گیرد و برخی از اجزای نماز را به جا می‌آورد.
- در لبه سقوط اخلاقی و رفتاری، آموزه‌های دینی را به یاد می‌آورد.
- در گفت‌وگوها اشاره شود که فلان کودک را در حال انجام عمل دینی دیدم و غیره.
- از اجبار در آموزش و یادگیری پرهیز شود.
- از وسایل کمک آموزشی، مانند نوار، تصویر، کتاب‌ها، برنامه‌های رایانه‌ای و غیره، استفاده شود.
- به تفاوت دوره کودکی و نوجوانی و آموزش‌های ویژه آن اشاره شود. برای نمونه، در آموزش نوجوان با توجه به استقلال‌ی که دارد، به صورت توصیه‌ای عمل شود. باید بکوشیم با ایجاد روش پرسش و پاسخ، مشکلات این دوره حل کنیم.
- در دیالوگ‌ها و رفتارها به روش‌های گوناگون اشاره می‌شود که بر اساس تفاوت‌های فردی پدید می‌آید. برای نمونه، هر کودک یا نوجوانی بر اساس ایده‌های خاصی که با او هم‌خوان است، هویت دینی خود را تقویت می‌کند که بر اساس تفاوت‌های فردی شکل گرفته است.

ب. آموزش مراحل شکل‌گیری هویت دینی

- با تولد فرزند، پدر در گوش نوزاد، اذان و اقامه را زمزمه می‌کند. این صفحه همراه با آهنگ مناسب و صحنه عارفانه نمایش داده شود.
- پس از مشورت والدین و فامیل، نامی زیبا و دینی برای نوزاد انتخاب شود.
- در داستان شب برای کودکان به گونه‌ای غیر مستقیم به مسائل دینی اشاره شود. در این باره می‌توان از داستان‌های پیامبران و ائمه اطهار(ع) بهره گرفت.
- والدین با مریدان آموزشی، روحانی محله و فامیل به مشورت می‌پردازند تا به صورت هماهنگ عمل کنند.
- برای مخاطب روشن شود که هر آموزه دینی باید در چه دوره و سنی اجرا شود (همان، ص ۱۱۴).

## ۳. طراحی صحنه و لوکیشن

الف. طراحی صحنه (محیط‌های بسته و باز)

- هنگام آموزش مسائل دینی، از صحنه‌های جذاب و دیدنی استفاده شود.
- بهتر است که صحنه‌ها در کنار رودخانه، دریا، درخت، جنگل، کوه و غیره باشد.
- در معرفی مکان‌های مذهبی، از جمله مسجد باید کوشید تا از مکان‌های جذاب و شاداب استفاده شود.

- به تناسب گفتار یا آموزش دینی، می‌توان از اشعار، تصاویر، خطاطی و غیره بهره برد.
- هنگام تقلید کودک از نماز، دعا، تلاوت قرآن و غیره، از طرح‌ها و آهنگ‌های عارفانه جذاب استفاده شود.
- ب. آفت‌ها و آسیب‌های صحنه
  - ابهام بیش از حد نمادها؛
  - افراط و تفریط در استفاده از نمادها؛
  - تناسب نداشتن طراحی صحنه با آموزش‌های مذهبی؛
  - جذاب نبودن طراحی؛
  - استفاده از طرح‌های روز جهان درباره موضوع (همان، ص ۱۱۵).

#### ۴. نما آهنگ هویت دینی

##### الف. نما آهنگ برای کودکان و نوجوانان

- آموزش ظرافت‌های دینی، باید همگام با سطح شناختی مخاطب باشد.
- استفاده از حضور افرادی که الگوی کودکان و نوجوانان هستند.
- موسیقی با سلیقه مخاطبان این دوره تناسب داشته باشد.
- بهره‌گیری از شخصیت کودک و نوجوانی که در انجام مسائل دینی به مقام‌هایی رسیده است.
- نشان دادن شخصیت‌هایی که با انجام ندادن آموزه‌های دینی به مشکلات و موانعی برخورد کرده‌اند و پس از آشنا شدن با همسال مذهبی، از موانع و مشکلات رهایی می‌یابند.
- پخش نما آهنگ‌های کودک و نوجوان در وقت مناسب؛ به این معنا که در بعضی فرصت‌ها به جای پیام بازرگانی در میان برنامه‌های جذاب، مانند طنزهای شبکه سوم، از نما آهنگ کودک و نوجوان استفاده شود.
- در پایان نما آهنگ، از بعضی همسالان بخواهند تا در چند ثانیه، نتیجه آن را بیان و دیگران را به آموزه‌های دینی سفارش کنند.

##### ب. نما آهنگ با موضوع والدین و مربیان

- در این نوع از نما آهنگ‌ها هم باید از شخصیت‌های محبوب استفاده شود.
- والدینی که به دوره کودکی و نوجوانی فرزندشان توجهی ندارند، تازه در دوره جوانی در می‌یابند که وی به کارهای خلاف عرف، قانون و شرع روی آورده است. آن زمان، از کردار خود پشیمان می‌شوند و آرزو می‌کنند که روزی به دوره قبلی برگردند و جبران کنند.
- به اهمیت نقش دوستان در شکل‌گیری شخصیت اشاره شود.

- مریبان هم در نماآهنگ، همگام با والدین به رفتار و اخلاق شاگردان توجه می‌کنند و در مسائلی با آنها به مشورت می‌پردازند.

- آهنگ‌ها باید به صورت جذاب با قسمت‌های گوناگون تصویر هماهنگ باشد.
- مشورت زن و مرد درباره تربیت فرزندان و نتیجه‌گیری به درستی ترسیم شود.
- وجود رابطه عاطفی و صحیح میان والدین و اعضای خانواده را باید نشان داد.
- استفاده از تجربه‌های بعضی والدین و مریبان در تربیت دینی فرزندان را نیز می‌توان ترسیم کرد.
- نماآهنگ در فرصت مناسب باید والدین و مریبان سهل‌انگار را از خواب غفلت بیدار کند.
- از نماآهنگ‌های آرمانی باید استفاده شود.

#### ج. آفت بعضی نماآهنگ‌ها

- ضعف تصویرگری، صداگذاری و نورپردازی در حدی که پیام اصلی ارائه نشود.
- کنایه‌آمیز بودن بیش از حد که مخاطب آن را درک نکند.
- روابط ناسالم والدین با یکدیگر در حال آموزش.
- استفاده از شخصیت‌هایی که در زندگی‌شان هیچ تعهدی نسبت به موضوع ندارند و حتی گاهی بر خلاف آن عمل می‌کنند.

- به پایان نرسیدن نماآهنگ و بی‌نتیجه ماندن.
- به کارگیری زیاد نماآهنگ به گونه‌ای که ملال آور باشد (بخشنده، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷).

#### ۵. زیرنویس‌ها و پیام مجری

- الف. زیرنویس‌ها و پیام مجری باید خلاصه و پرمحتوا باشد.
- ب. هنگام پخش فیلم و برنامه‌های جذاب، زیرنویس‌های کوتاه و مهم نوشته شود. برای نمونه، به این نکته‌ها اشاره شود:

- کودکان و نوجوانانی که اهل ایمان هستند، زندگی آرامی دارند.
- افراد با هویت دینی، درس خوان‌ترند.
- افراد مذهبی مشکلات زندگی را بهتر حل می‌کنند و غیره.
- ج. پیام مجری پس از بیان مقدمه گفته شود.
- د. با مخاطب‌شناسی در فرصت مناسب همراه باشد.

ه. می‌توان در زمینه‌های گوناگون مذهبی مانند نماز، روزه، اطاعت از خداوند و محبت به پیامبر و ائمه اطهار(ع)، دوری از گناه، آثار و پیامدهای عمل به آموزه‌های دینی، تلاش برای باتقوی شدن و غیره، از پیام‌های زیبایی استفاده کرد. مثل اینکه اشاره کند:

- من، کودکان و نوجوانان را که اعمال دینی را می‌شناسند و عمل می‌کنند، خیلی دوست دارم.

- من همیشه برای آنها دعا می‌کنم.

و. خطرهایی که به دنبال بی‌تفاوتی نسبت به دین به وجود می‌آید، تبیین شود. برای نمونه، بازگو کند که افراد بی‌هویت دینی، در مشکلات زندگی سرگردان هستند و از زندگی‌شان کمتر لذت می‌برند.

ز. برای درک بهتر پیام مجری، از مثال، حکایت و اشعار مربوط به موضوع استفاده شود (همان، ص ۱۲۰).

## ۶. برنامه کودک و نوجوان

الف. برنامه‌های آموزشی برای کودکان و نوجوانان

- تهیه متن برای مجری درباره رشد هویت دینی از زاویه‌های گوناگون و قابل درک برای مخاطب (مطالب باید در سطح شناختی کودکان و نوجوانان باشد و با زبان آنها بیان شود).

- کتاب‌های جذاب برای آموزش مبانی دینی معرفی شود.

- همراه گفتار مجری، زیرنویس‌های جذاب در این باره، نوشته و پیامدهای آموزش دینی بیان شود، مانند: ارزش بخشیدن، دور کردن آسیب‌ها، رسیدن به آرامش، پیشرفت تحصیلی و غیره.

- آموزش همراه با داستان و حکایت ارائه شود.

- کودکان و نوجوانان در بحث شرکت کنند.

- مبانی دینی در قالب کارتن، نمایش عروسکی، طنز و نماهنگ آموزش داده شود.

- می‌توان از داستان‌های انبیا و ائمه(ع) استفاده کرد.

- هم‌خوانی و سرودهای ویژه هر آموزه دینی برای کودک و نوجوان تولید شود.

- مسابقه‌های جذاب در این باره برگزار شود.

- نشان دادن مراسم تشویق از نونهالانی که در این زمینه فعال هستند.

- ساختن برنامه‌های ویژه که در میان برنامه‌های مورد علاقه کودکان و نوجوانان پخش شود، مانند آنچه درباره رعایت

قوانین راهنمایی و رانندگی برای آنها پخش می‌شود.

ب. برنامه‌های مسابقه‌ای برای کودکان و نوجوانان

- مسابقه نقاشی درباره آموزه‌های دینی همراه با جایزه برگزار شود.

- برای دوره‌های سنی دختران و پسران جداگانه برگزار شود.

- مسابقه به صورت گروهی، فردی، شفاهی، مکاتبه‌ای، تلفنی و غیره باشد.

- موضوع‌ها باید با سطح شناختی کودکان و نوجوانان هماهنگی داشته باشد؛ بعضی از موضوع‌ها عبارت است از:

شناخت خدا، برگزیدگان خدا، وظیفه بندگان خدا، کتاب آسمانی، روزه، نماز، وضو، دوری از گناه، محبت اهل بیت، محبت والدین و غیره.

- مجری مسابقه باید با ظرافت‌های ویژه به کسانی که اطلاعات کافی ندارند یا جوایزی به دست نیاوردند، روحیه بدهد

تا احساس شکست نکنند (همان، ص ۱۲۲).

## ۷. گزارش‌های خبری

الف. گزارش‌های خبری مربوط به وظایف مهم والدین و مربیان

- خبررسانی در مورد خطرهای احتمالی سهل‌انگاری در تربیت دینی؛

- خبررسانی درباره نوع وظایف تربیتی و زمان آغاز آن؛

- توجه دادن به پیامدهای مثبت رشد هویت دینی؛

- با بیان هدف اصلی تهاجم‌های فرهنگی، به اهمیت موضوع اشاره شود.

ب. گزارش‌های خبری مربوط به معرفی افراد موفق یا شکست خورده در این باره

- معرفی پدر و مادری که با همکاری مربیان و با صبر و پشتکار، فرزند خود را با آموزه‌های دینی آشنا کرده و به هویت

دینی مطلوب فرزندشان دست یافته‌اند. چگونگی و روش فعالیت آنها هم باید تبیین شود.

- یاد کردن از کسانی که با سهل‌انگاری در این باره، مقدمه‌های عذاب خود و فرزندشان را فراهم کردند. برای نمونه،

نشان دادن بعضی از فرزندان که در زندان به سر می‌برند یا فراری هستند.

- خبررسانی و معرفی مراکز آموزشی و فرهنگی که به خوبی از عهده آن برآمده‌اند، مانند مساجدی که با برنامه‌ای

هماهنگ، کودکان و نوجوانان را به فعالیت‌های مذهبی مشغول کرده‌اند.

- خبررسانی درباره جشن تکلیف و هنجارسازی برای آن (همان، ص ۱۲۳).

## ۸. برنامه‌های ورزشی

الف. گفتارهای مربوط به مجری در برنامه‌های ورزشی



- مجری می‌گوید: همان گونه که جسم ما به ورزش و فعالیت نیازمند است، روح و روان ما نیز برای تقویت شدن به فعالیت‌هایی نیاز دارد. در این گونه مسائل، والدین و مربیان باید مانند ورزش‌های بدنی، به آموزش نیازهای روحی فرزندان بپردازند و آموزه‌های دینی را به طور مطلوب آموزش دهند.
- مجری باید در میان برنامه‌ها، آنها را به توانایی روحی همگام با توانایی جسمی تشویق کند.
- می‌توان از نوجوان ورزش کاری یاد کرد که در کنار ورزش، به مسائل دینی می‌پردازد.
- ب. گزارش‌ها و مصاحبه‌های مربوط به ورزش
  - به انجام وظایف دینی بعضی ورزش کاران توجه شود.
  - گزارش درباره بعضی از ورزش کارانی که به هویت دینی فرزندان خود توجه دارند.
  - با ورزش کاران و فرزند آنها در این باره گفت‌وگو کنند.
  - درباره تأثیر دین در ورزش و به طور کلی، درباره زندگی آنها پرسش نمایند.
  - تهیه تصاویری که بیانگر پرداختن نوجوانان ورزش کار به مسائل دینی است.
  - تهیه تصاویری که ورزش کاران در حال آموزش دادن مسائل دینی به فرزندان خود هستند (همان، ص ۱۲۴).

## ۹. مستندسازی

- الف. وضعیت تربیت دینی بعضی خانواده‌های موفق.
- ب. وضعیت کودکان و نوجوانان بزه‌کاری که در زندان به سر می‌برند و بررسی علل و عوامل آن.
- ج. وضعیت کودکان و نوجوانانی که با فرار از خانه، در خیابان‌ها به سر می‌برند و بررسی علل و عوامل آن.
- د. مستندسازی درباره خاطره‌های ویژه بعضی خانواده‌های موفق و شکست‌خورده.
- ه. مستندسازی الگوی زندگی بعضی بزرگان که در زندگی خود به این مهم توجه کرده‌اند.
- و. مستندسازی فعالیت‌های بیگانگان که با تهاجم فرهنگی، در پی دور کردن والدین و مربیان از تربیتی دینی هستند.
- ز. مستندسازی درباره بعضی مسائل تاریخ مرتبط با موضوع.
- ح. مستندسازی درباره علل و عواملی که سبب دور شدن کودکان و نوجوانان از عمل به آموزه‌های دینی می‌شود.
- ط. مستندسازی درباره علل و عوامل گرایش کودکان و نوجوانان به آموزه‌های دینی.
- ی. ماجراهای نجات کودکان و نوجوانان از دام انسان‌های ناسالم (همان).

## نتیجه‌گیری

با ارزیابی و تحلیل عوامل و عناصر آسیب‌زا در نسل جوان می‌توان به این نتیجه رسید که دور بودن فرد از تربیت صحیح دینی در سال‌های کودکی و نوجوانی، زمینه‌ساز بی‌هویتی آنان می‌شود؛ پس اگر افرادی در آغاز دوران کودکی و در

ادامه، در سال‌های نوجوانی از آموزه‌های دینی بی‌بهره بمانند و متولیان امور تربیتی، مانند خانواده و مدرسه نیز نسبت به شکوفایی هویت دینی آنان بی‌توجه باشند، تصور صحیحی از هویت دینی به دست نخواهند آورد. بحران هویت که امروزه گریبان‌گیر انسان غربی و متأسفانه بخشی از جوانان کشور خودمان شده است، نیز در اثر شکل نگرفتن هویت دینی در آنان است. برای رسیدن به دوره‌ای با هویت دینی نهادینه شده در افراد جامعه باید به صورت مداوم نقاط آسیب‌زا را شناسایی و برطرف کرد و نقاط قوت را تقویت و گسترش داد. در این مقاله سعی شد تا علاوه بر معرفی مهم‌ترین شاخصه‌های هویت دینی، عوامل مؤثر در شکل‌گیری، تقویت و تضعیف آن مورد بررسی قرار گیرد و در ادامه، به محورهای اشاره شد که به نظر می‌رسد باید مورد توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان رسانه قرار گیرد و در پایان، راهکارهایی بیان شد که می‌توان آنها را در برنامه‌های رسانه، به ویژه تلویزیون مورد توجه قرار داد. برای رسیدن به این دوره، نهادهای خانواده، مدرسه، رسانه‌ها، خطبای دینی و غیره، وظیفه مهمی دارند تا در قالب ساخت فیلم‌ها، سریال‌ها، سخنرانی‌های مذهبی و دینی، برنامه‌های متنوع فرهنگی متناسب با سن‌های مختلف و مانند اینها، به تبیین ابعاد و زوایای مختلف هویت دینی و بیان مزایا، فواید و پیامدهای ناشی از هویت دینی بپردازند. در این میان، به نظر می‌رسد که نقش رسانه بسیار اهمیت دارد. رسانه‌ها همچنان که می‌توانند مخاطبان خود را به امور پیش پا افتاده و مبتذل سرگرم کنند و آنها را از فرهنگ و هویت بومی و دینی خود جدا و حتی متنفر کنند، این قدرت را نیز دارند که با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح در قالب فیلم‌ها، سریال‌ها و غیره، نقش بسزایی در تبیین و نهادینه کردن هویت دینی در نسل حاضر و نسل‌های آینده داشته باشند.

## فهرست منابع

۱. آخوندی، محمدباقر (۱۳۸۳)، *هویت ملی - مذهبی جوانان*، قم: بوستان کتاب.
۲. امام خمینی (ره) (۱۳۶۱)، *صحیفه نور*، ج ۲۰، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. بخشنده بالی، عباس (۱۳۸۵)، *بررسی مراحل شکل‌گیری هویت دینی کودکان و نوجوانان*، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۴. حاضری، علی محمد و خانی، علی اکبر (۱۳۷۸)، *خودباوری و خودباختگی از دیدگاه امام (ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. شرفی، محمدرضا (۱۳۷۹)، *جوان و بحران هویت*، تهران: انتشارات سروش.
۶. مطهری، مرتضی (۱۳۸۰/الف)، *آشنایی با علوم اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰/ب)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، تهران: انتشارات صدرا.
۸. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰/ج)، *عدل الهی*، تهران: انتشارات صدرا.
۹. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰/د)، *نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*، تهران: انتشارات صدرا.
۱۰. نصری، عبدالله (۱۳۷۸)، *انتظار بشر از دین*، بی‌جا: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۱۱. نگارش، حمید (۱۳۸۰)، *هویت دینی و انقطاع فرهنگی*، قم: نمایندگی ولی فقیه در سپاه.